

نینوا معبر انتظار

صادق سهرابی

«فرهنگ عاشورا»، پیوندی عمیق و ارتباطی ناگسستنی با «فرهنگ انتظار» دارد. واقعه عاشورا، زمینه ساز و مقدمه ظهور امام عصر (عج) است و معارف و حکمت های جاودان آن، در «ظهور مهدی موعود» متجلی است. با بررسی و دقت، در حدیث قدسی «زیارت عاشورا» و «زیارات مربوط به امام زمان (عج)، در می یابیم که «نینوا»، معبر «انتظار است»؛ یعنی، برای رسیدن به ظهور مهدی موعود، باید از گذرگاه کربلا عبور کنیم. زیارت عاشورا نیز در واقع، تحلیلی برای معبر بودن نینوا برای انتظار است. درس ها و پیام های عاشورا، چراغ های فرا راه شیعیان است تا با دیدی روشن و بصیرتی افزون، منتظر «ظهور» باشند و آماده قیام و مبارزه شوند. «السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور»⁽¹⁾؛ سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خورش، وای تنهای رها شده «حسین علیه السلام، خون خدا است که در «عاشورا» به جوشش در آمد و به شریان تاریخ انسان و اسلام، حرکت و حیات بخشید. این خون خدا از دشت گلگون نینوا، قلب های مؤمنان و عاشقان را به تپش درآورد و چنان آتش و شرری به جان ها زد که هرگز سردی و خاموشی نخواهد داشت:

«ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لاتبرد ابدا». ⁽²⁾

این رود جاری خون خدا، از آن دشت خونبار، برای همیشه قلب تاریخ را سیراب، زنده و متحرک خواهد ساخت و هرگز نخواهد گذاشت جهل و نادانی ها - هر چند مدرن - و حیرت در ضلالت و گمراهی، بندگان خدا را نابود سازد؛ بلکه سرور شهیدان تاریخ، جان خویش را در راه خدا بذل و بخشش کرد؛ تا بندگان او را از تمامی جهالت ها و سرگردانی ها رهایی بخشد:

«و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة». ⁽³⁾

و این شور آفرینی آن اسوه عشق و آزادگی، هیچ خاموشی ندارد و این حرارت حسینی، سرد یا منحرف نمی شود. دشمنان او، بارگاه نورانی اش را تخریب کردند و قبر مطهرش را به آب بستند؛ زائرانش را شهید کردند و دست و پای آنان را بردند ... ولی نتوانستند این «گرمی و عشق» و «شور و شعور» را از بین ببرند.

این شعله عشق و مشعل رهنمای تاریخ، جریان خود را در نهضت ها و انقلاب های دینی - به خصوص در انقلاب اسلامی ایران به خوبی نشان داده است و می رود تا حسینیان با فریادهای

«این الطالب بدم المقتول بکربلا»

ندای امام حسین علیه السلام را پاسخ دهند و به جهانیان بنمایانند که دیگر سیدالشهدا علیه السلام تنها نیست .

«سلام بر تو و بر ارواحی که به آستان تو فرود آمده، و با تو دفن شدند؛ سلام و درود خدا از جانب من بر همه شما باد؛ سلامی پیوسته و همیشه تا زمانی که باقی هستم و تا زمانی که شب و روز باقی است. سلامی به فراخنای هستی و پهنای تاریخ» .

این «سلام» ، زبان «گویا و ترجمان» همان حرارتی است که در دل ها افکنده ای و آتشی است که از عمق وجودمان شعله می کشد .

سلام ما، معرفت به جایگاه والا و رفیع شما و محبتی سرشار از عشق به شما است و فریاد معرفت و محبت به شما است که «اسوه همه پاکی ها و خیرها» هستید. سلام ما زمزمه «شناخت و عشق» از حجت خدا و تسلیم بودن به آستان شما است. سلام ما بر شما، اسلام و مسلمانی ما است که نمایانگر سه حیطه «شناخت»، «عشق» و «اطاعت» است و این معرفت ما شیفتگان به پاکان هستی است .

ما معرفتی به ساحت مقدس شما یافته ایم و فهمیده ایم که خداوند شما را پاک آفریده و از تمامی پلیدی ها آراسته کرده است. اصل و اول و آخر تمامی خیر و خوبی، شماید و این معرفت ما، ماندگار است، چون شما ماندگارید و زبان گویای معرفت ما به شما (سلام) نیز ماندگار و جاودانه باد. «و ما بقیت و بقی اللیل و النهار» . ای کسی که پیامبر خدا، «باعدالله» را بر قامتت صلا زد؛ زیرا تو پدر عبودیت هستی و در سایه پدری و ولایت و رهبری تو، می توان به آستان عبودیت حق ره یافت. تو تاریخ بشر را که می رفت در جهالت مدرن و سرگردانی و گمراهی غوطه ور شود، نجات دادی؛ ولی این رهایی بشر و هدایت تاریخ، به بهایی بسیار گران تمام شد. «عزا و ماتم بزرگ» و «مصیبت سترگ» ، بر ما و تمامی اهل اسلام چیره گشت و آسمان ها و تمامی ساکنان آنها را فرا گرفت و سیه پوش ساخت، برسند دین به جز حب و بغض چیز دیگری نیست زیرا نمی توان فطرت پاک انسان ها را از پاکی ها جدا کرد و نمی توان به زشتی ها و پلیدی ها، دلبند و مهربان ساخت. آن جا که سخن از «پاکی ها» است، کبوتر «سلام» بال می گشاید و آن جا که سخن از «پلیدی ها» است، آتش لعن شعله می کشد. اینها، اموری طبیعی و فطری است و تعارف بر نمی تابد. هیچ کس با قاتل پدرش، نرد عشق نمی بازد و با کشنده پدر عبودیت و کشتی نجات بشر، سرآشتی ندارد. از این رو «سلام» ترجمان تولی و «لعن» زبان تبری است. ایمان دو رو دارد: «تولی و تبری» و «حب و بغض» . داستان لعن، ریشه در دشمن شناسی شیعه دارد و در نگاه آنان، دشمنان به لحاظ جامعه شناختی و روان شناختی، جایگاه و اقسام خاص خود را می یابند .

مؤسسان ظلم و جور، از آن جایی که به جهت حقد، حسد و... تحمل پاکی ها را نداشتند، با طراری سیر حق را به طور مداوم رصد کرده، در کمین نشستند؛ تا آن که در فرصت تاریخی، نقشه شوم و پلید خود را به تصویر

کشیدند. آنان با رسول پاکی ها در بالین و بستر بیماری آن کردند که تنها آنان می توانستند آموزه های شیطانی را این گونه طراحي و طراری نمایند و نفس و جان رسول خدا را خانه نشین کنند .

«مؤسسان ظلم و جور» ، با شگرد و شیوه شیطانی خود، وارد میدان شدند و با همراهی یک جریان پلید، پاکان را از «مقام» بلند خود «دفع» کردند؛ یعنی، اول جایگاه و مقام آنها را نشانه رفتند و تضعیف نمودند. در آن برهه، نقل احادیث نبوی ممنوع شد و اگر کسی اقدام به نشر احادیث می کرد، با ضرب و شتم و تبعید و قتل مواجه می شد. آنان در ظرف این مدت طولانی، روایات جعلی فراوانی را در مدح دشمنان اهل بیت علیهم السلام منتشر کردند. هدف آنان این بود که «مقام» امام علی علیه السلام را تنزل دهند و شخصیت حقیقی و حقوقی آن حضرت را ترور کنند و در مقابل، تمامی مناقب و ویژگی هایی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای امیر مؤمنان علیه السلام بیان فرموده بوده مشابه سازی کردند و برای اشخاص مورد نظر و دشمنان خاندان عصمت و طهارت نقل و منتشر نمودند، حتی وضع به گونه ای بود که آن افراد را، هم تراز و گاهی بالاتر از پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح می کردند .

با این راهبرد و شگرد، در صدد آن بودند که «مقام» و منزلت این پاکان هستی را خدشه دار کنند و تنزل دهند. وقتی از حیث شخصیتی ایشان را تخریب کردند، دیگر زمینه برای قتل و شهادت آنان سهل و آسان می نمود. وضع به گونه ای گشت که حضرت علی علیه السلام را در محراب شهید کردند و مردم با شگفتی می پرسیدند: علی در محراب چه می کرد؟ مگر او اهل نماز بود؟ این جریان تا زمان امام حسین علیه السلام بسیار شدید ادامه داشت تا آن که جهالت مدرن، در جهان اسلامی سایه گسترد .

راهبرد و استراتژی دشمن آن بود که «پاکان» و «خاندان طهارت» را، از مقامشان دفع کنند و «مراتب» و رتبه های بلندی را که خداوند، برای آنان مقرر فرموده بود، از بین ببرند :

«و لعن الله امه دفعتمکم عن مقامکم و ازالکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها» .

در این بستر سازی ها و در فاصله کوتاهی پس از رحلت نبی اکرم، جاهلیت مدرن تحت لوای اسلام و به نام اسلام، «ارکان دین» را به شهادت رساندند. دست پلید آنان تا مرفق به خون خدا آغشته گشت :

گروه دیگر از دشمنان در نگاه شیعه «ممهدين و زمینه سازان قدرت» ظلم و جور علیه اهل بیت می باشند. آنان عده ای از خواص جامعه بودند که به جهت جیفه پست دنیا، از پاکان فاصله گرفتند و با «مؤسسان ظلم و جور» کنار آمدند. این خواص آن زمان، با استفاده از وجاهت و سابقه خود، به تسلط شیطان یاری رساندند و زمینه سازان و مقدمه چینان تمکن و قدرت دشمنان برای قتل اولیای خدا شدند :

«و لعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالکم» .

من پس از درک این همه درد و رنج خوبان و پاکان، نمی توانم بی تفاوت باشم؛ از این رو فریاد برائت بر می کشم و به خداوند و به شما پاکان اعلام می دارم که من از آنان (مؤسسان و ממهدان) بیزارم و آماده جنگ با آنها هستم. من سر آنان را به سنگ خواهم کوفت و در این راه، از جان و مال خود مایه خواهم گذاشت. من از «اشیاع»، «اتباع» و «اولیای» آنها هم بیزارم و با آنان سر جنگ دارم. گروه دیگر از دشمنان، همین سه دسته یاد شده اند. دشمنان پاکان، گروه مؤسسين داشتند که با راهبرد «دفع مقام» و «ازاله مراتب»، دشمنی خود را کلید زده بودند و جاده صاف کنان و زمینه سازانی داشتند که «ظلم و جور» مؤسسان را مقدمه چینی و فرهنگ سازی می کردند و نظریه پرداز آنان بودند. گروه آخر، شامل سه جریان اشیاع، اتباع و اولیای آنها بود.

اینها بدنه مردمی را تشکیل می دادند که «اشیاع»، مقربین به مرکز ظلم و جور؛ «اتباع»، نیروهای اشیاع و دست پرورده آنان؛ و «ولیاء»، بدنه پایین و توده تاثیرپذیر از فرهنگ شرک و کفر بود. من از تمامی آنها برائت و بیزاری هسته، با آنان در جنگ می باشم. بی تفاوت نیستم؛ زیرا قلب من حرارتی از خون خدا، در خود دارد که غیرت و آزادگی را در رگ هایم جاری می کند و این گونه است که «فرهنگ عاشورا» شکل و جریان می یابد و عاشورائیان را به صحنه می آورد.

آنان فریاد بر می کشند :

«یا ابا عبدالله انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامه⁽⁴⁾» ;

ای پدر بندگی و عبودیت! همانا من در صلح هستم، با کسی که شما با او در صلح هستید و در جنگ هستم، با آن که شما در جنگ با او هستید و این راهبردی است همیشگی و تا قیامت یک جریان ایستا و محدود نمی باشد».

تا زنده هستم، با این استراتژی زیست می کنم و آن را به فرزندان خود و دیگران، می آموزم و توصیه می کنم؛ زیرا من وظیفه دارم در مدار حق باشم و حق را به دیگران سفارش کنم و به آنان بگویم همواره باید در مسیر حفظ این حق، صبر پیشه کنند :

«تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر». (5)

تا زنده هستیم و تا قیامت، این معرفت، محبت و اطاعت همراه ما بوده و در برزخ و قیامت، شاهی بر حقانیت ما خواهد بود .

بر اساس «فرهنگ عاشورا»، این راهبرد را دست مایه عملی خود ساخته ام و «عنصرشناسی» را در ادامه دشمن شناسی خود، پی جویی می کنم و نفرت و لعن خویش را اظهار می سازم :

«و لعن الله آل زياد و آل مروان و لعن الله بنی امیه قاطبه و لعن الله ابن مرجانه و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمرا و لعن الله امه اسرجت و الجمت و تنقبت لقتالك» .

جای جای هر یک از عناصر را در تحلیل دشمن شناسی خود، به خوبی برآورد می کنم و وزن و جایگاه آنان را در ضربه زدن و دشمنی نمودن ارزیابی می کنم تا برائت و بیزاری هایم، مؤثر باشد و راه را برای حق باز نمایم. من باید یار و یاور ولی خدا باشم که شرط آن هوشیاری است .

پدر و مادرم فدایت یا حسین! چه عظیم و بزرگ است مصیبت های شما بر من و این درد بر من بسیار سنگینی می کند. ناله ای جان سوز و بلند دارم و از خدایی که مقام بلند شما را گرامی داشت و مرا هم به واسطه شما کرامت فرمود، درخواست می کنم که :

«ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله ;

روزی من گرداند خون خواهی و انتقام گیری از خون تو را با امام پیروز و یاری شده از اهل بیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله» و تا زمانی که این انتقام محقق نشود، سنگینی مصیبت های تو، مرا بی تاب و بی قرار خواهد کرد. امام حسین علیه السلام با هدایت و رهبری ویژه خود حرکت تاریخ را عوض کرده، آن را از مرگ همیشگی نجات داد و بشریت را از هلاکت حتمی رهایی بخشید. کاروان هدایت تاریخ، در جهت نتیجه بخشی و به هدف رسیدن در حال حرکت است؛ اما در این حرکت و جریان، هنوز سختی و تلخی مصائب حسین علیه السلام را در جان و ذائقه خود احساس می کنیم و تا بر آمدن شکوفه «فرج» ، «مرارت انتظار» را تحمل می نماییم .

امام صادق علیه السلام فرمود :

«ان لصاحب هذا الامر غيبه المتمسك فيها بدینه كالخارط لشوك القتاد بیده ; (6)

برای صاحب این امر (قائم آل محمد) غیبتی خواهد بود که متمسک به دین او کارش به قدری دشوار است که همانند آن ماند که بخواهد چوب خاردار بسیار سخت را، با دستانش بکشد و صاف کند» .

در این قسمت از زیارت عاشورا و حدیث قدسی، به خوبی پیوند و گره خوردن «فرهنگ عاشورا» با «فرهنگ انتظار» را می بینیم، به طوری که این مضمون در قسمت دیگر زیارت عاشورا، تکرار شده است؛ یعنی؛ در دو مورد از زیارت عاشورا این عبارت آمده است. در دعای ندبه هم می خوانیم :

«این الطالب بدم المقتول بکربلاء» .

به راستی راز و رمز این پیوند چه می تواند باشد؟ چرا در عیدهای فطر، قربان و ... این همه سفارش به دعای ندبه و زیارت امام حسین علیه السلام شده است .

گویا بنا است، این دو فرهنگ پیوسته و به صورت همگام و همراه، زنده باشد و در لایه های «اندیشه» ، «فرهنگ» و «عینیت» عموم مردم، جلوه گری کند. «وترین موتورین»⁽⁷⁾ نیز هر دو با هم یاد شوند و یکی به عنوان پشتوانه فرهنگی و معبری برای آن دیگری باشد. پس می توان گفت که: «نینوا، معبر انتظار است» .

این حقیقتی است که دشمنان هم به آن رسیده اند. آنها در مطالعات شیعه شناسی خود، اعلام داشته اند: شیعه با توجه به «پرچم سرخ عاشورای حسینی» ، به عنوان پیشینه و عقبه فرهنگی خود و از طرف دیگر با «چشم انداز پرچم سبز مهدوی» ، از فرهنگی پویا و بالنده برخوردار است. آنها برای مبارزه و تخریب این دو فرهنگ و شکستن این دو پرچم، برنامه های راهبردی به پا ساخته اند؛ از جمله فیلم هایی مخصوص برای تضعیف فرهنگ ساخته اند. دشمن دریافته است که پیوندی خاص و راهبردی، بین فرهنگ انتظار و عاشورا وجود دارد و بر ما شیعیان است که از این راز و پیوند، دریافت مناسب و به هنگام داشته باشیم و آن را به «پیام و بیان» مطلوب برسانیم. بر ما است که بدانیم چرا در حدیث قدسی زد زیارت عاشورا «از سیدالشهدا علیه السلام: و در «زیارات حضرت مهدی» از امام عصر به عنوان «وتر موتور» (تنهای رها شده) یاد شده است. با دریافت درست از این مفاهیم، می توانیم ندای

«این الطالب بدم المقتول بکربلا»

را در فضای جهان، به عنوان فرهنگ پویا مطرح نموده، فریاد کنیم و بنالیم که :

«عزیز علی ان ابکیک و یخذلک الوری ؛

گران است بر من این که برای تو گریه کنم و مردم تو را خوار و سبک بشمارند»⁽⁸⁾ .

و با این و شعور و شعور است که می خواهیم نصرت و یاری خود را برای «مهدی تنها» آماده ساخته و فریاد «هل من ناصر» حسین تنها مانده را پاسخ دهیم .

در حدیثی از عیسی الخشاب آمده است :

«قال: قلت للحسین بن علی: انت صاحب هذا الامر؟ قال علیه السلام: لا، و لكن صاحب هذا الامر الطريد الشريد الموتور بابیه المکنی بعمه یضع سیفه علی عاتقه ثمانیة اشهر»⁽⁹⁾ .

بعد از ذکر عبارت

«ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله»،

از خداوند چنین می خواهیم: خدایا! مرا در پیشگاه خودت به واسطه حسین علیه السلام در دنیا و آخرت آبرومند
قرار ده :

«اللهم اجعلنی عندک وجیها بالحسین علیه السلام فی الدنیا والآخره» .

اگر می خواهیم در پیشگاه خالق خویش آبرومند گردیم، راه آن، این است که از «باب الله» به آستان ربوبی
خداوند در آییم. این گونه می توان «وجهه» و آبرویی در بارگاه ایزدی به دست آورد. امام حسین علیه السلام
«باب الله» است و می توان با آن در نزد خدا کسب وجهه نمود. از خداوند می خواهیم که خون خواهی خون
خدا را، «رزق» و روزی ما قرار دهد؛ رزقی که به همراهی با امام منصور (مهدی) می باشد و این گونه می
خواهیم در درگاه الهی وجیه و آبرومند باشیم .

کسانی که نتوانسته اند در رکاب حسین علیه السلام جان ببازند و در نزد خدا وجیه گردند و آبرویی یابند؛ باید
دعا کنند تا خداوند آنها را از این رزق و روزی را از آنها محروم نسازد و «مرارت انتظار» را به جان بخرند و به
«خیل منتظران» بار یابند. آنان باید این سرود عشق را زمزمه جان خویش سازند که: به حق حسین و آن کسی
که مقامش را کرامت بخشیدی و از کرامتش مرا هم بهره مند نمودی، مرای روزی کن تا در معیت مهدی فاطمه،
خونخواه ثارالله باشم و بدین وسیله آبرویی در درگاه الهی کسب کنم؛ چون حسین رمز «وجاهت» و کلید
«تقرب الی الله» است .

داستان انسان، داستان «فوز و خوض» و همچون سرو سر به آسمان برکشیدن است و یا به زمین فرو رفتن.
کسانی که در عصر عاشورا، هستی خود را به موج عشق سپردند و مستانه به راه افتادند، میوه «فوز» را چیدند و
رفتند و ماندگان در راه باید در «خیل وصف منتظران»، به امامت و رهبری «امام منتظر» چشم بدوزند؛ تا آن
امام همام از سفر باز آید و این در راه ماندگان «فوز عظیم» را به کاروان عاشورائیان برساند .

ما در حال «انتظار» به ذکر عشق آرام می یابیم و می نالیم :

«و فزتم فوزا عظیما، فیالیتنی کنت معکم فافوز معکم»

«یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما» .

شما رستگار شدید به رستگاری بزرگی؛ ای کاش ما هم با شما می بودیم و به همراه شما بدان نائل می آمدیم
این امام عصر و پیروزمند با نصرت خدا است که عقب ماندگان از کاروان «فوز و فائزان» را به مقصد می رساند،
تا از «باب الله» سیدالشهدا علیه السلام کسب آبرو کنند. این جلوه ای از فلسفه خون خواهی «ثارالله» در رکاب
فرزندش «مهدی فاطمه» است؛ زیرا «خون خدا» ریخته و به آن هتک حرمت شد. باید در هستی حریم «خون
خدا» پاسداری می شد و بشود و تنها راه کسب «وجهه و آبرو» همین گرمی داشت و پاسداری از این «حرم و

حریم « می باشد. کسانی که می خواهند به خیل آبرومندان در آیند، باید دل به دریای «انتظار» خون خواهی ثارالله بزنند؛ تا با خون خواهی او در رکاب مهدی موعود (عج) آبرومند بارگاه ایزدی گردند و به فوز و رستگاری نائل آیند .

از همین رو است که :

«انتظار الفرّج من اعظم الفرّج»⁽¹⁰⁾ ;

انتظار، فرج خود از بزرگ ترین فرج ها است .

ای پدر بندگی و عبودیت (یا اباعبدالله) ! همانا من «تقرب» می جویم به خدا و به رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و به تو ای حسین! به موالات و دوستی متقابل با تو حسین و به وسیله برائت از دشمنان شما .

«یا اباعبدالله انی اتقرب الی الله و الی رسوله و الی امیرالمؤمنین و الی فاطمه و الی الحسن و الیک بموالاتک و بالبرائه [ممن قاتلک و...] ممن اسس...»

در این جا بحث از تقرب است: تقرب به خدا و تقرب به معصومین علیهم السلام؛ زیرا این نورهای مقدس، اسمای حسنای الهی اند. این تقرب ورودگاهی می خواهد که آن پدر بندگی و عبودیت (اباعبدالله) و خون خدا است. حتی تقرب به خود سالار شهیدان، از همین منظر خواهد بود، باید برای این تقرب ها، از موالات امام حسین علیه السلام دستمایه گرفت و به وادی تقرب راه یافت. سیدالشهداء علیه السلام کلید آبرومندی و وجیه شدن در درگاه الهی است؛ زیرا ثارالله است و «حرم و حریم» الهی است و حرمت دارد .

کلید «فوز» و رستگاری ، سر بر کشیدن بر آسمان عبودیت و بندگی است. باید با سعی تلاش، خود را به صف «منتظران» کاروان خون خواهان «ثارالله» برسانیم تا وجهه یافته ، به خیل متقربان به خدا و امام حسین علیه السلام پیوندیم و این گونه از دیار «نینوا» ، معبری به کاروان خون خواهان حسینی بسازیم؛ چنان که قرآن می فرماید :

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فممنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و مابدلوا تبدیلا:

در میان مؤمنان مردانی اند که بر سر عهدهی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند ؛برخی پیمان خود را به آخر بردند [و در راه او شربت شهادت نوشیدند] و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند» .

عاشورائیان پیمان خود را به آخر بردند و مهدویان در «معبر نینوا» چشم انتظارند و آن عهدهی را که با خدای خود بسته اند (پاسداری از «حرم و حریم» ثارالله و خون خدا) از یاد نبرده اند آنان همیشه با خود زمزمه می

کنند و هر صبحگاه، با امام عصر خویش و یوسف گمشده فاطمه، تجدید عهد می نمایند و در «انتظار» فرج به سر می برند؛ تا در رکابش به خون خواهی «حرم و حریم» الهی و «ثارالله» برخیزند .

راز و رمز «گره و پیوند» این دو فرهنگ، این گونه عقده می گشاید و رخ می نماید .منتظران عشق هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود راه نخواهند داد، همچنان که مردان سترگ عصر عاشورا چنین بودند .

روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که در روز عاشورا این گونه به همدیگر تعزیت و تسلیت بگویند :

«اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام و جعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد علیهم السلام⁽¹¹⁾» ;

خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی او حضرت مهدی از آل محمد علیهم السلام، طلب خون آن حضرت کرده و به خون خواهی او برخیزیم .

این است که مساله خون خواهی «ثارالله» ، امری مهم و جدی است و باید از این طریق در نزد خداوند کسب و جاهت و آبرو نموده، به درگاهش تقرب جوییم و نزدیکی به درگاه امام حسین علیه السلام را نصیب خود سازیم. برای این خون خواهی و دستیابی به ثمراتش، به «انتظار» امام منصور و یاری شده از طرف خدا بمانیم .

آشکار است که «انتظار» ، آداب و ادبیات لازم خود را می طلبد؛ از این رو باید در حوزه پیام و بیان به تبیین و تبویب آن همت گماریم و حوزه های اندیشه، فرهنگ و عینیت جوامع شیعی و اسلامی را با عطر نجوای

«این الطالب بدم المقتول بکربلا»

معطر سازیم و به هم پیوستگی این دو فرهنگ را روشن کنیم. در آویخته اند .

در سایه «فرهنگ عاشورا» ، دست مایه های غنی ای از جریان شناسی «ظلم و جور» به دست می آید از یک طرف با «پاکان و پاکی ها» و از طرف دیگر با «تمامی پلیدی ها و ناپاکان» مواجه هستیم در این صورت وجود ما، مالا مال از دوستی و موالات نیکان و برائت و بیزاری از ناپاکان می شود. «پلیدان تاریخ» ، مؤسس «ظلم و جور» بودند و انتصاب خلافت و امامت و حیانی را به استهزا گرفتند. بنیان حکومت خویش را بر اساس ظلم و جور بنا کردند. و ستم های فراوانی به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان، روا داشتند .

«و بالبراءة ممن اسس اساس ذلک و بنی علیه بنیانه و جرى فی ظلمه وجوره علیکم و علی اشیاعکم»

من برائت و بیزاری خود را از این جریان سه گانه که به وسیله پلیدان شیطان فت به وجود آمده است اعلام می دارم و تقرب به خدا و سپس تقرب به شما را می طلبم و دوستی شما و دوستی دوستان تان را جویا هستم.

فرهنگ «موالات» نمایانگر نشانه هایی است که ما را به دین رهنمون می شود، و نیز عهده دار اصلاح تمامی حوزه های امور دنیوی ما است و مضامین و بیان مزبور در زیارت «جامعه کبیره» نوازشگر جان های عاشقان اهل بیت علیهم السلام است :

«و بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دینانا»

در سایه موالات و دوستی متقابل شما پاکان هستی ، معالم دین - که همان نشانه های رساننده به دین است - تعلیم می شود و تمامی فسادهای دنیوی را - در شکل ها و نظام های مختلف آن اصلاح می گرداند. با این نگاه به موالات است که ما نه تنهائیزمند؛ بلکه ناچار و مضطر به موالات با شما هستیم و از تمامی بیگانگان و اندیشه ها و جریان های غیر وابسته شما، خود را جدا می سازیم؛ کانون تلاش و کوشش ما، تنها در جهت بسط «فرهنگ موالات» با شما است. باین نگاه آنچه مربوط به دشمنان شما و غیر از شما باشد ، بر نمی تابیم و برخود هیچ تسامح و تساهلی را روا نمی داریم بلکه با شدت تمام می تازیم و در این مسیر جان می بازیم. زیرا مجرای «فیض» الهی شما یید و در آستان شما «فوز» و «نجات» آشیانه گرفته است. و «من اتیکم نجی و من فارقکم ضل» ، هر کس از شما جدا شود، گمراه می گردد و تمامی هستی اش گم می شود. این همان «خوض» و به زمین فرو رفتن و در دل خاک گم شدن است . «بولایتکم فاز الفائزون» ، یعنی با ولایت شما پاکان هستی است که می توان سر به آسمان عبودیت و قرب حق، سایید و جام «قرب حق» و «قرب شما» را یک جرعه سر کشید. این ادبیات موجود در متون دعایی (همانند زیارت جامعه و حدیث قدسی زیارت عاشورا) در جای جای وجود ما می خلد و دعوت حق را با فطرت انسان عجین می کند .

در این صورت، حال تحمل دیگران را ندارم؛ مرا چه رسد به دشمنان شما که «رگ غیرت دینی» ام را از جا می کند و هستی را بر من تنگ می کند. آری ما «تولی و تبری» داریم و با خود دروغ نمی گوئیم و با دیگران مزاح نمی کنیم

«و اتقرب الی الله ثم الیکم بموالاتکم و موالاته ولیکم، و بالبرائة من اعدائکم و الناصبین لکم الحرب، و بالبرائة من اشیاعهم و اتباعهم، انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم» .

این سان «فرهنگ عاشورا» بر آسمان دل ما می بارد و گام به گام ما را به سمت و سوی فرهنگ سر سبز مهدوی روانه می سازد؛ و ما را در این معبر از «نینوا» تا «انتظار» همراهی می کند. ما باید از سرزمین گرم و خشک نینوا و دشت تفتیده و تکیده اش عبور کنیم و با کوله بار «فرهنگ عاشورا» ، افق «انتظار» را نشانه رویم و غزل هایمان را این گونه سر دهیم: «السلام علی ربیع الانام و نضرة الایام ؛سلام بر بهار مردم و خرمی روزگاران» . [زیارت مهدی عج در مفاتیح]

«فاسأل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفة اولیائکم و رزقنی البرائة من اعدائکم ان یجعلنی معکم فی الدنیا و الاخرة» .

وقت درخواست از خداوند فرا رسیده است؛ خدایی که معرفت شما و معرفت دوستان و اولیای شما را بر من کرامت فرموده و براءت و بیزاری جستن از اعدا و دشمنان شما را بر من روزی کرده است. درخواست و سؤال من این است که خداوند، من را در دنیا و آخرت با شما «پاکان و مطهران» قرار بدهد. «معیت و همراهی» با شما در دنیا و آخرت، درخواست من است؛ زیرا پس از شناخت و معرفت از «پاکان» و «پلیدان»، عشق و محبت من نمی تواند «کور و سرگردان» باشد و من جهت خود و سمت و سوی قرب و بعد خود را می یابم و شکل می گیرم و از گم شدن خودم، رهایی می یابم. می خواهم «وجودی سرشار» و در حال «زیاد» شدن و «فائز» گشتن بیابم. این در صورتی ممکن است که با «پاکان آزاد» از هر گونه پستی ها و زشتی ها همراه باشم و وجود خویش را «وسعت و عمقی» بالنده و رشد یابنده دهم. این حرکت را هم نهایی نیست و محدوده ای او را نمی تواند در حصار کشد؛ بلکه جهتی مستمر و بی نهایت را نشانه گرفته است. از این رو «معیت و همراهی» را در دنیا و آخرت و در «ظرف بی حصار» می طلبم .

«و ان یثبت لی عندکم قدم صدق فی الدنیا و الاخرة»

درخواست دیگرم از خدا این است که در دنیا و آخرت، ثبات مرا در پیشگاه شما «پاکان» عنایت فرماید؛ به گونه ای که ثبات قدم صادقانه و حقیقی داشته باشم. در این «معیت و همراهی» با شما، افراد بسیاری بوده اند؛ ولی آن را درک نکرده اند و ثبات قدم صادقانه و حقیقی نداشته اند .

«و اساله ان یبلغنی المقام المحمود لکم عند الله»

و از خدا درخواست می کنم که مرا به مقام پسندیده ای برساند که در پیشگاه خداوند برای شما وجود دارد. «و ان یرزقنی طلب ثاری کم مع امام هدی ناطق بالحق منکم» ؛ درخواست می کنم به این که خون خواهی شما را همراه با امام مهدی، رهبر و راهنمای ظاهر و گویای به حق از خود شما روزی ام گرداند .

پس از بصیرت یافتن، در دو حوزه «دشمن شناسی» و «معرفت پاکان و اولیاء» تعیین موضوع و شکل گیری ایمان (حب و بغض و سلام و لعن) ؛ «فرهنگ عاشورا» به ما می آموزد که از خداوند بخواهیم تا «معیت و همراهی» ؛ «ثبات قدم صادقانه» ؛ «مقام محمود» و «خون خواهی ثار الله همراه با امام مهدی» را نصیب و بهره ما کند .

هم چنین بیان می کند که نالایقان، چگونه حسین زهرا را در نینوا رها کردند و به طوفان «کرب» و «بلا» سپردند و دست از «معیت» او شُستند و «ثبات قدم صادقانه» با وی نداشتند. نتیجه آن شد که «ثار الله» ،

زمین را گلگون و زمان را شفق گون کرد. و در زیر سنگ ها اشک عبیط و خون تازه جاری شد. سیدالشهدا علیه السلام با یاران اندک ولی با وفایش، پرده جهالت و تحیر ضلالت را از رخ تاریخ کنار زد و مشعل راه یاب گیتی شد همان گونه که سپاهیان امام حسین علیه السلام غربال شدند و تنها یاوران پاک، خالص و با وفای او باقی ماندند؛ یاران حضرت مهدی نیز غربال خواهند شد. در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است :

«والله لا يكون ما تمدون اليه اعينكم حتى تمحصوا و تميزوا و حتى لا يبقی منكم الا الاندر فالاندر

به خدا قسم آنچه که چشم به راه آن دارید انجام نپذیرد تا آن که پاک شوید و تمییز یابید و تا آن که نماند از شما مگر کمتر و باز کمتر» (12).

امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال که فرج شما کی خواهد بود، فرمود :

«هیئات، هیئات لا يكون فرجنا حتى تغربلوا، ثم تغربلوا، ثم تغربلوا»

یعنی، فرج و ظهور حضرت اتفاق نمی افتد، مگر آن که شیعیان به شدت در امتحان الهی شرکت کنند» (13).

و در حدیثی دیگر می فرماید :

«...هیئات، هیئات لا يكون الذى تمدون اليه اعناقكم حتى تمحصوا، [هیئات] و لا يكون الذى تمدون اليه اعناقكم حتى تميزوا و لا يكون الذى تمدون اليه اعناقكم حتى تغربلوا ;...»

هرگز، هرگز، آنچه بدان گردن کشیده اید و چشم انتظار آن هستید (- قیام مهدی علیه السلام) انجام نخواهد گرفت تا آن که «پاک» شوید و آنچه بدان گردن کشیده و منتظرش هستید، نخواهد شد تا آن که «تمییز» گردید، و آنچه چشم براهش هستید و گردن بدان کشیده اید، نشدنی است تا اینکه غربال « شوید» (14)

همچنان باید مراقب احوال خود باشیم تا هجوم فتنه ها، شهوات و شبهات، رهنی نکند و همچون مدعیانی نباشیم که گفتند: ای حسین! به کوفه در آی که ما سخت مشتاق دیدار و نصرت تو هستیم و همگان دیدیم که چون یخ در مقابل دما و گرما، آب شدند و ذیلانه به خانه هایشان خزیدند و یا سفره های چرب، آنان را دین فروش ساخت .

«انتظار»، آماده باش بودن است و آداب خود را می طلبد؛ از این رو در احادیث آمده است: «انتظار الفرج من اعظم الفرج؛ انتظار خود بزرگ ترین فرج است» (15) و «انتظار الفرج من الفرج» (16)؛ انتظار جزئی از فرج می باشد. زیرا منتظر در دوران انتظار مؤدب به آداب و ادبیات انتظار است و آن را تنها یک حالت نمی پندارد ؛ بلکه می داند انتظار، برترین اعمال است. «انتظار الفرج، افضل الاعمال» (17).

منتظر کسی است که در حال آماده باش است. در روایتی آمده است

«...کمن کان فی فسطاط القائم⁽¹⁸⁾ ; هر کس که منتظر قائم آل محمد باشد، همانند کسی است که در خیمه جنگی حضرت در حال آماده باش است » گفتنی است که در زیارت، حضرت مهدی (عج) نیز مانند امام حسین علیه السلام «وتر موتور» نامیده شده است از این رو شخص منتظر، از فرهنگ عاشورا می آموزد که و زمینه سازان قدرت ظلم و جور، از طریق فتنه، شبهات و شهوات، چگونه مردم آن عصر را رصد کرده و سالار شهیدان را تنها گذاشتند در نتیجه تصمیم می گیرد که مبادا همانند آن نامروتان، «مهدی زهرا» را تنها بگذارد و اسیر فریب های زمینه سازان قدرت دشمن اهل بیت شود: «اللهم لا تجعلی من خصماء آل محمد زپروردگارا مرا از دشمنان آل محمد قرار نده » .

زمینه سازان و مقدمه چینان قدرت ظلم و جور، به خوبی از شیطان آموخته اند که حوزه های وجودی آدمی را، چگونه در معرض شهوات قرار بدهند و به اعتیاد و عادت برسانند و پس از آن شبهات را نصب و علم کنند که در این صورت به خوبی نقشه آنان جواب می دهد. حضرت سجاد علیه السلام این شگرد شیطان را در «صحیفه سجادیه» افشا می کند :

«یتعرض لنا بالشهوات و ینصب لنا بالشبهات»⁽¹⁹⁾ .

امام حسین علیه السلام فرمود :

«له غیبة یرتد فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون فیؤذون و یقال لهم متی هذا الوعد ان کنتم صادقین؛ اما ان الصابر فی غیبه علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسيف بین یدی رسول الله»⁽²⁰⁾ ;

برای امام مهدی (عج) غیبتی است. در این غیبت برخی از دین بر می گردند و برخی ثابت قدم می مانند. هر که در این غیبت صبر کند و بر مشکلاتی که از سوی دشمنان ایجاد می شود و بر ایجاد شبهاتی از این قبیل که اگر شما راست می گوئید وعده ظهور کی خواهد بود؟ استقامت کند، به قدری از اجر خداوند بهره مند می گردد که انگار در کنار پیامبر با شمشیر بر دشمنان جنگیده است » .

شیاطین و زمینه سازان قدرت ظلم و جور، با ترفندهای گوناگون و جاذبه دار در صدد رهزنی یاران حضرت ولی عصر (عج) خواهند بود. باید بر انواع اذیت ها، آزارها، تکذیب ها، فتنه گری ها و شبهه افکنی ها صبر و استقامت داشت. دشمنان می خواهند که حضرتش برای همیشه «وتر موتور» و تنها گذاشته شود. آنان طرح و نیت هایی دارند :

با آن حضرت عداوت ها و دشمنی ها دارند .

«اللهم اذل کل من ناواه»

خدایا هر که نیت بدی نسبت به او دارد، ذلیل گردان « .

و

«و اهلك كل من عاداه

خدایا همه دشمنان او را هلاک گردان « .

آنان برای او و مکر و کیدهایی در نظر دارند :

«و امكر لمن كاده

خدایا با کسانی که برای [مهدی] مکر و کید می کنند، خودت مکر بفرما» .

منكر حق و حقانيت حضرت می باشند: «واستاصل من جده حق؛ خدایا ریشه کن فرما کسی را که منكر حقانيتش می باشد» .

و امرش را سبک می شمارند :

«و استهان بامره ؛

خدایا! کسی که امر حضرت صاحب را سبک بشمارد ریشه کن فرما» .

سعی و تلاش دارند که نورش را خاموش سازند :

«و سعی فی اطفاء نوره «

و می خواهند که ذکر و یاد مهدی را به دست فراموشی بسپارند :

«و اراد اخماد ذكره « (21) .

آنان همچنان که سالار شهیدان را با انواع طرح ها، تنها و بی یاور ساختند؛ می خواهند امام عصر (عج) نیز تنها و بی یاور بماند. نباید دل خوش داشت که ما دغدغه غیبت و آرزوی ظهورش را داریم؛ زیرا بسیاری برای امام حسین علیه السلام نامه دعوت نوشتند و خیلی از او یاد کردند؛ اما در موقع نیاز، آن حضرت را تنها گذاشتند !

امام صادق علیه السلام می فرماید :

«اذا خرج القائم خرج من هذا الامر من كان يري انه من اهله و دخل فيه شبه عبدة الشمس و القمر

چون قائم قیام کند، کسی که خود را اهل این امر می پنداشته است، از این امر بیرون می روند، در مقابل، افرادی مانند خورشید پرستان و ماه پرستان، به آن می پیوندند» (22).

پس «انتظار» (23) ثبات قدم می خواهد :

«ثبتنا علی مشایعتہ (24)

خدایا ما را بر دنباله روی و شیعه بودنش، ثابت قدم بدار» مگر نه این است که دشمنان امام حسین علیه السلام سابقه های ویژه ای داشتند و از خواص بودند؟!

آری «نینوا» معارف و عبرت ها را بر ما تمام کرده و اتمام حجت نموده است .باید از خدا بخواهیم که :

«و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام ». (25)

ثبات قدم صادقانه و با حسین بودن را و همانند اصحاب حسین بودن را باید بخواهیم تا این که این جریان ادامه یابد و در رکاب فرزندش مهدی موعود جزء خون خواهان ثار الله باشیم و این گونه نینوا را معبر انتظار سازیم .

پی نوشت ها :

(1) زیارت عاشورا .

(2) مستدرک الوسائل، ج 1، ص 218 .

(3) زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

(4) زیارت عاشورا .

(5)سوره والعصر

(6) بحار الانوار، ج 52، ص 135، ح 39 .

(7) وتر موتور: هم در خصوص امام حسین علیه السلام، و هم در خصوص حضرت مهدی در زیارات آمده است؛ و آن به معنای تنهای تنها گذاشته شده می باشد .

(8) دعای ندبه .

(9) موسوعه امام حسین، ص 667 .

(10) بحار، ج 52، ص 122 .

11) مصباح المتهجد، شیخ طوسی، المحرم و شرح زیارة الحسین علیه السلام، ص 713 و 714، مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا .

12) کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص 208، ح 15 .

13) تاریخ عصر غیبت، ص 71؛ بحار الانوار ج 52، ص 133 .

14) کتاب الغیبة، شیخ طوسی، همان، ص 208، ح 16 .

15) بحار الانوار، ج 52 .

16) همان .

17) همان. بحار ج 52

18) بحار ج 52

19) صحیفه سجادیه، دعای 25، دعای در حق اولاد .

20) تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی، ص 271؛ بحار الانوار، ج 51، ص 133 .

21) در اعمال روز جمعه، مفاتیح .

22) مجله انتظار، ص 158، غیبت نعمانی، ص 424 .

23) مجله انتظار، ص 158، غیبت نعمانی، ص 424 .

24) دعا در غیبت امام زمان علیه السلام .

25) زیارت عاشورا .